

## قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی

## برق و گاز گرفتگی

افزایش سریع و غیرطبیعی قیمت حامل‌های انرژی را دارد؟ (۳) آیا در این راستا، فکری هم به حال صنایع بیمار و ضعیف داخلی شده است؟

## برق، عقب‌نماند!

اگر افزایش قیمت حامل بنزین را به دلیل برخورداری دهک‌های پُردرآمد و احیاناً استفاده آنان از یارانه‌های مدنظر دولت، نوعی تفاوت میانگین دهک‌های پُردرآمد و کم‌درآمد جامعه و معیار عدالت اجتماعی - آن گونه که دولتمردان معتقدند - تلقی کنیم، این حکم در مورد برق صادق نخواهد بود، چراکه برای حامل برق نمی‌توان تفکیکی قابل‌شد و همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند و فقط، تفاوت در مصرف گروه‌های مختلف درآمدی است که معیار تفکیک محسوب می‌شود؛ هرچند این معیار نیز نمی‌تواند اساس قضایای عادلانه در این زمینه باشد.

اما عمده تفاوت این مسأله به روند تولید این حامل برمی‌گردد، چراکه تفاوت زیادی بین منابع تجدیدناپذیر همچون انرژی‌های فسیلی با منابع تجدیدپذیر بادی و آبی وجود دارد. طبیعی است که به دلیل پایین بودن قیمت منابعی که در جریان تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند - به استثنای حامل‌های نفتی و گازی - و با توجه به مزیت نسبی کشورمان در تأمین منابع تولید برق، به خصوص به علت در اختیار داشتن منابع آبی جنوبی، شمالی و مناطق بادگیر غربی و شمال غربی کشور، قیمت برق تولیدی از رقم پایینی برخوردار باشد. همچنین نحوه قیمت‌گذاری برق با قیمت‌گذاری نفت و فراورده‌های آن، کاملاً متفاوت است. در منابع تجدیدناپذیر همچون نفت، با فروش آن، دارایی خود را می‌فروشیم و دیگر نفتی نخواهیم داشت. بدین ترتیب نحوه قیمت‌گذاری این منابع، با هم متفاوت می‌باشند. با توجه به میزان سرمایه‌گذاری در زمینه تولید برق و چشم‌انداز این سرمایه‌گذاری‌ها در سال‌های آتی، به نظر می‌رسد که به دلیل عدم قدرت تأمین مالی این سرمایه‌گذاری‌ها از سوی بخش دولتی، روند افزایشی قیمت حامل برق، راهکاری است که دولت برای تأمین هزینه‌های خود برگزیده است.

بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، روند تشکیل سرمایه برای صنعت برق، در سال‌های آتی به گونه‌ای است که به طور مثال در سال ۹۰، برای تأمین برق مورد نیاز کشور، رقمی نزدیک به ۴ هزار و ۱۳۰ میلیون دلار سرمایه مورد نیاز می‌باشد. به واقع، دولت می‌تواند با روان‌سازی امور در تشکیل سرمایه بخش خصوصی، هم هزینه‌های تولید را پایین آورد و هم به رشد و رونق اقتصادی کمک کند. اگر قرار است اصل ۴۴ قانون اساسی به دقت پیاده شود، صنایع تأمین انرژی، مهمترین بخش‌های قابل واگذاری هستند که به طور حتم با کاهش هزینه‌های خود، هزینه تمام شده کمتر و در نتیجه قیمت منطقی‌تری را ارائه خواهند کرد. ■

## روند اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نباید به گونه‌ای باشد که منجر به وارد آمدن فشار بر قشر کم‌درآمد جامعه و صنایع داخلی کشور شده و به تعبیر دیگر: هم سیخ بسوزد و هم کباب.

پس از گذشت سال‌ها از فعالیت جهانی در حوزه انرژی، هنوز گاز طبیعی و مایع - آن طور که نفت خام دارای فرمولی مشخص برای تعیین قیمت است - از چنین ضابطه‌ای برخوردار نیست و اصولاً قیمت نهایی انعقاد آن در لحظات نهایی قراردادها مشخص می‌شود. این بدان دلیل است که اصولاً قیمت‌گذاری گاز بر اساس هزینه تمام شده، هزینه حمل و نقل و در نهایت، هزینه توزیع صورت می‌گیرد که در شرایط مختلف، متفاوت است.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در دو کشور آمریکا و کانادا، به طور متوسط در ۳ سال مورد مطالعه (سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹)، قیمت گاز در ایالات متحد در حدود ۱/۳۳ دلار ارزان‌تر از کانادا بوده است. همچنین روند قیمت گاز طبیعی در سه منطقه آلاسکا، نیویورک و تگزاس، در یک ماه اخیر نشان می‌دهد که منطقه سردسیر آلاسکا بیشترین قیمت و البته بیشترین نوسان را تجربه کرده است. حال آن که تگزاس - که منطقه‌ای مملو از ذخایر نفتی و گازی است - کمترین قیمت را در میان سه منطقه مورد بررسی داشته است. کاملاً واضح است که حتی در یک کشور هم نمی‌توان روند باثباتی را برای قیمت‌گذاری گاز طبیعی دنبال کرد.

در نتیجه، معیار قیمت‌های جهانی برای تعیین بهای انرژی در کشور به هیچ وجه منطقی نبوده و به نظر می‌رسد کشوری همچون ایران که دارنده دومین ذخایر اثبات شده گاز در جهان و ششمین تولیدکننده آن می‌باشد، از شرایط مساعدی برای وضع قیمت‌های

پایین برای این حامل انرژی - متفاوت از نرخ‌های جهانی - برخوردار باشد. گذشته از این مسایل، اگر قرار باشد قیمت‌های انرژی را در کشور تا سطح قیمت‌های جهانی افزایش دهیم، باید منتظر تبعات ناگوار آن برای کشورمان باشیم.

به برکت مزیت‌های نسبی، تولید انرژی کشورمان طی سالیان متمادی از قیمت‌های پایین برخوردار بوده است. از طرف دیگر، کیفیت پایین محصولات تولیدی در کشور، میزان رقابت‌پذیری این محصولات را در بازارهای جهانی کاهش داده است و تنها به دلیل مزیت‌های قیمتی - آن هم در برخی کشورهای همجوار و یا کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین - توانسته حضوری کم‌رنگ را در بازارهای جهانی به نمایش بگذارد. در چنین شرایطی، افزایش قیمت انرژی می‌تواند مزیت‌های قیمتی را نیز نابود کرده و حضور شرکت‌ها و محصولات ایرانی را در جهان متوقف و یا از آنچه هست، کم‌رنگ‌تر کند. به هر حال، اگر هدف کسب مزیت است، این هدف با رویکرد افزایش قیمت حامل‌های انرژی - به خصوص گاز - در تضاد می‌باشد.

البته در این که حذف یارانه‌های انرژی از لحاظ منطقی اقتصادی امری توجیه‌پذیر و ضروری است، شکی نیست. اما پاسخ به این سؤالات نیز از اهمیت بالایی برخوردار است: (۱) آیا دولت برای تولید منابع انرژی - به خصوص گاز - یارانه‌ای را پرداخت می‌کند یا خیر؟ (۲) آیا شرایط کنونی اقتصادی کشور، آمادگی

## قیمت فراورده‌های نفتی و گاز در کشور (بر حسب ریال)

فراورده	واحد	قیمت داخلی کنونی (با یارانه)	قیمت داخلی تولید شده توسط بخش دولتی	قیمت فوب
بنزین	لیتر	۱۰۰۰	۸۵۰	۳,۳۴۰
نفت سفید	لیتر	۱۶۵	-	۳,۳۵۲
نفت کوره	لیتر	۳۲ غیرنیروگاهی ۹۴/۵	-	۲,۳۱۲
گازوییل (نفت گاز)	لیتر	۶۴ غیرنیروگاهی ۱۶۵	۴۵۰	۳,۱۷۶
گاز طبیعی	متر مکعب	۴۹ غیرنیروگاهی ۱۰۰	۶۰۰ - ۴۰۰ **	*
گاز مایع	لیتر	۲۸/۸	-	۴,۴۳۷
آب	مترمکعب	۲۳۳	۱۳۰۰	-
برق	کیلووات ساعت	۱۰۰	۷۷۰	-

(آمارهای ستون سوم جدول از اطلاعات وزارت نفت می‌باشد)

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».

\* قیمت گاز طبیعی در قراردادهای مختلف متفاوت بوده و یکسان نیست.

\*\* در صورتی که میعانات گازی به دست آمده از استخراج گاز طبیعی را به حساب بیاوریم، قیمت گاز طبیعی صفر خواهد شد. در غیر این صورت، هزینه تولید آن مطابق ارقام جدول خواهد بود.